بسمه تعالی

**موضوع**: جواز عدول از سوره /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[مروری بر نظر مختار در تقویت قول سوم 1](#_Toc113455590)

[فرمایش محقق خویی در تقویت قول چهارم (قول مطلق جواز عدول) 1](#_Toc113455591)

[مناقشه در فرمایشات محقق خویی رحمه الله 4](#_Toc113455592)

[بررسی معیار در بلوغ نصف 6](#_Toc113455593)

[بحث بعدی: جواز یا عدم جواز عدول از توحید به جمعه در روز جمعه 7](#_Toc113455594)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته پس از تقویت نظریه سوم مبنی بر جواز عدول تا زمان بلوغ دو سوم از سوره، به سه اشکالی که بزرگان بدین نظریه وارد کرده بودند، پاسخ داده شد. در این جلسه به بررسی فرمایش محقق خویی پرداخته می شود.

## مروری بر نظر مختار در تقویت قول سوم

بحث راجع به عدول از قرائت یک سوره در اثنای آن به سوره دیگر بود. عرض شد که بعید نیست براساس موثقه عبید بن زرارۀ قائل به جواز عدول تا زمان بلوغ به دو سوم سوره شویم. البته این حکم غیر از سوره توحید و کافرون است.

## فرمایش محقق خویی در تقویت قول چهارم (قول مطلق جواز عدول)

محقق خویی فرموده اند: بعید نیست که بتوان قول چهارم را که کلام صاحب حدائق است مبنی بر جواز عدول حتی بعد از بلوغ ثلثین، تقویت کنیم، طبعا نهی وارد شده در روایات نیز حمل بر کراهت می شود. تقریب ایشان چنین است که ما احساس تعبد محض از این روایات نمی کنیم. باید دید که نکته این نهی ها چه بوده است؟ اگر مکلف بخواهد تبعیض در قرائت یک سوره بکند آیا اشکال دارد یا خیر؟ مبنای محقق خویی عدم اشکال است. ایشان از روایات جواز اکتفاء به بعض سوره را استفاده کرده بودند و صحیحه منصور بن حازم که می گفت «لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلَّ مِنْ سُورَةٍ وَ لَا بِأَكْثَرَ»[[1]](#footnote-1) را حمل بر کراهت کردند. پس مکلف اگر بعد از بلوغ ثلثین سورۀ، نخواست سوره را تمام کند، نهایتا:

1. یا تبعیض در قرائت سوره می شود که این تبعیض در سوره مشکلی ندارد.
2. یا سوره بعدی را هم که می خواند، نهایت این است که مصداق قران بین السورتین می شود:

الف: قران بین السورتین حرام نیست.

ب: اساسا مصداق قران بین السورتین نیز نمی شود؛ زیرا قران بین السورتین غیر از عدول از سوره ای به دیگری است، قران این است که شخص می خواهد با خواندن دو سورۀ، یا خواندن نیم سوره و یک سوره کامله امتثال امر کند. در بحث عدول، صرف نظر از سوره ای که شروع کرده است، می باشد. این کار مصداق قران نیست. قران این است که ضم امتثال به امتثال شود، نه اینکه صرف نظر از قرائت بعض سوره شود و تبدیل امتثال به دیگری شود. قران می گوید من می خواهم با دو سوره امتثال امر کنم. این شخص می گوید من صرف نظر از این سوره می کنم و دیگری را می خوانم، لذا وجهی برای قول به حرمت عدول، حتی بعد از بلوغ ثلثین نیست. زیرا این روایات ظهور در تعبد ندارند.

پس ایشان فرموده اند باید دید که مشکل این مکلف چیست؟ مشکلاتی که برای مکلف به وجود می آید، از فروض مذکور خارج نیست و آن ها هم حرام نبودند. در نظر ایشان روایات وارد شده، ظهوری در تعبد ندارند[[2]](#footnote-2).

بلی، اگر کسی مثل محقق زنجانی بگوید که یا سوره نخوانید و یا اگر می خوانید کامل بخوانید (زیرا تبعیض را جایز نمی دانند) یا مشهور که می گویند هم باید بخوانید و هم کامل بخوانید، این ها حق دارند که به ظهور این روایت در حرمت اخذ کنند و بگویند بعد از بلوغ ثلثین عدول از سوره ای به دیگری حرام است. کما اینکه محقق زنجانی فتوا می دهند که گرچه اصل سوره خواندن واجب نیست ولی اگر بعد از بلوغ ثلثین عدول کنید نماز شما باطل می شود اگر عمدا باشد. محقق خویی می فرماید اگر ما نیز قائل به حرمت تبعیض در سوره بودیم همین را می گفتیم ولی قائل نیستیم؛ لذا وجه عرفی برای اینکه نهی از عدول را حمل بر تحریمی کنیم، نمی بینیم. تعبد محض در این روایات خلاف ظاهر است. کلام ایشان بدین نکته است که اگر بخواهد نصف بخواند تبعیض است و اشکالی ندارد، اگر هم شبهه قران مطرح باشد ایشان قبول ندارد و حرام نیز نمی داند.

سوال: آیت الله زنجانی و مشهور نصف سوره را بدون اینکه قصد امتثال امر سوره بشود جایز نمی دانند؟

جواب: بالأخره فرمایش محقق خویی این است که اگر ما گفتیم خواندن بعض سوره جایز نیست، ملتزم می شویم که بعد از بلوغ ثلثین می توانید رها کنید، این روایت را حمل بر کراهتی می کنیم. اما معنای این کلام این نیست که شما سوره کامله اگر بخوانید به قصد قرآنیت، برای نماز مشکل درست کند. اگر این سوره ای را که از دو سوم آن رد کردید، رها کنید و سوره دیگری بخوانید، اگر به قصد قرآنیت بخوانید اشکالی ندارد، باید به قصد جزئیت نخوانید. ایشان فرموده اند: نتیجه حرف ما این می شود که ما چون تبعیض در سوره را جایز می دانیم، از این رو قبل از بلوغ ثلثین شخص می تواند سوره کامله ای به قصد جزئیت بخواند و اشکالی نیز ندارد. یعنی شخص سوره را رها می کند و سوره دیگری را به قصد جزئیت می خواند. اما بعد از بلوغ ثلثین اگر این سوره را رها کردید، سوره دیگری که می خوانید نباید به قصد جزئیت باشد. خلاصه فرمایش محقق خویی این شد که ما یا قائل به حرمت تبعیض در قرائت یک سوره می شویم، در این صورت حق با کاشف الغطاء است که بگوییم بعد از بلوغ ثلثین عدول به سوره دیگر حرام است، ولی چون تبعیض را در قرائت سوره حرام نمی دانیم، نتیجه مطلب ما این می شود که قبل از بلوغ ثلثین می توانید سوره را رها کنید و سوره دیگری به قصد جزئیت بخوانید، بعداز بلوغ ثلثین نیز می توانید رها کنید ولی نباید در سوره کامله دیگر قصد جزئیت کنید؛ زیرا شما دیگر امر صلاتی به آن ندارید و باید قصد قرآنیت کنید. تعبیر ایشان چنین است:

«نعم، يمكن تقريب هذا القول، بل و تقويته ببيان آخر نتيجته جواز العدول مطلقاً، و حمل التحديد بالنصف أو الثلثين على ضرب من الكراهة و المرجوحية على اختلاف مراتبها. و هذا البيان نتيجة الالتزام بمبنيين: أحدهما جواز التبعيض و الآخر جواز القرآن بين السورتين اللذين عرفت فيما مضى أنّهما الأقوى بالنظر إلى الأدلّة. و عليه نقول التحديد بالثلثين الذي تضمنه موثق عبيد المتقدم لا يمكن حمله على اللّزوم على وجه لا يجوز العدول بعده، لأنّ‌ الوجه في عدم الجواز إن كان هو وجوب إتمام هذه السورة التي بيده فقد بنينا على جواز التبعيض و عدم وجوب الإتيان بسورة تامّة حسب الفرض، و إن كان عدم جواز القرآن بين السورتين بدعوى شموله للزائد من السورة الواحدة و إن لم تتم السورتان كما قد يقتضيه إطلاق قوله (عليه السلام) في صحيحة منصور المتقدمة سابقاً: «لا تقرأ في المكتوبة بأقل من سورة و لا بأكثر» ، فقد بنينا على جواز القرآن فليس لهذا التحديد وجه ظاهر و يبعد جدّاً حمله على التعبد المحض فتأمل»[[3]](#footnote-3)

ایشان می فرماید وقتی ما تبعیض را جایز می دانیم، اگر قبل از بلوغ ثلثین باشد اشکالی ندارد، ولی از این موثقه عبید بن زرارۀ[[4]](#footnote-4) می فهمیم که یک فرقی بین قبل از بلوغ ثلثین و بعد از آن می باشد. اگر بعد از آن بخواهید رها کنید دیگر استحباب سوره کامله را با سوره دوم نمی توانید امتثال کنید و باید به قصد قرآنیت بیاورید. مثل اینکه شما در هر کجای نماز می توانید قرآن بخوانید. اما بعد از بلوغ ثلثین به قصد جزئیت و تبدیل امتثال حق ندارید که این کار را کنید. یعنی نباید گفته شود که آن سوره ای که خواندم حساب نیست و سوره جدید را برای امتثال به جا می آورم. اما اگر قصد جزئیت نشود اشکالی ندارد. مثل این است که در رکوع و سجود قرآن خوانده شود.

### مناقشه در فرمایشات محقق خویی رحمه الله

1.اشکال ابتدایی ما به محقق خویی این است که ایشان اساسا جزئیت مستحب را در واجب منکر شده و فرموده اند واجب نمی تواند جزء مستحب داشته باشد. حتی ایشان قنوت را که مستحب در نماز است، می فرماید کسی حق ندارد بگوید که به عنوان جزء واجب می آورم؛ زیرا جزء واجب یعنی آن چیزی که واجب با اتیان آن به جا آورده می شود. «لایتحقق المرکب الا بتحقق ذلک الجزء» در حالی که مستحب بودن قنوت به معنای تحقق واجب بدون آن است و این ها با هم سازگار نیستند؛ لذا نمی توان گفت که قنوت جزء واجب است.

حال ما می گوییم طبق مبنای ایشان که جزئیت مستحب در واجب را منکر هستند، این چه تفصیلی است که فرموده اند که به قصد مطلق قرآنیت می تواند بخواند بعد از بلوغ ولی به قصد جزئیت نمی تواند بخواند؟ توضیح اینکه: ایشان در بحث فقهی استدلالی، نظر فقهی شان این است که سوره معلوم نیست جزء واجب نماز باشد، لذا احتیاط واجب مطرح کرده اند. حتی سوره ناقصه را نیز جزء نماز نمی دانند، وقتی احتیاط مطرح می کنند یعنی جزء بودن آن مسلم نیست، حال که جزء بودن آن مسلم نیست، پس نمی توان قصد جزئیت جزمی کرد؛ پس چگونه ایشان در اینجا می فرمایند که قبل از بلوغ ثلثین یا نصف می توان قصد جزئیت کرد ولی بعد از آن نمی توان قصد جزئیت کرد؟ طبق مبنای ایشان، در هر حال امکان قصد جزئیت وجود ندارد، پس تفصیل اینجا معنا نخواهد داشت.

دقت کنید! از ایشان سوال می کنیم اگر ما سوره را که شروع کرده ایم قبل از بلوغ ثلثین یا نصف رها کنیم، نماز باطل است؟ شما که باطل نمی دانید، زیرا قائل به جواز تبعیض است، پس معلوم می شود که این سوره کامله خواندن چه قبل و چه بعد از بلوغ واجب نیست، وقتی واجب نبود منکر شده اید که غیر واجبی جزء واجب باشد. اگر این سوره کامله آورده نشود چه قبل از بلوغ و چه بعد از آن، جزء واجب نیست، معنا ندارد که تفصیل دهید که قبل از آن می توانید قصد جزئیت کنید ولی بعد از آن نمی شود.

سوال: شاید از روایات عدول، ایشان تبدیل امتثال فهمیده است.

جواب: عدول عدول خارجی است نه اینکه وقتی سوره کامله خواندید آن بعض السورۀ که خوانده اید شرط صحت خود را از دست داده باشد. توضیح اینکه به عنوان مثال در صلاۀ معادی برخی گفته اند که وقتی شما نماز فرادای خود را به جماعت اعاده می کنید نماز فرادای شما باطل می شود؛ زیرا شرط صحت آن نماز فرادی، عدم لحوق به این جماعت خواندن بود، وقتی به جماعت خواندید، این نماز جماعت، مصداق می شود. شهید صدر اینطور معنا کرده است که ما گفتیم خلاف ظاهر روایات است. اینجا نیز اگر کسی بگوید که قبل از بلوغ اگر عدول کردید آن بعض سوره که خوانده بودید شرط صحت خود را از دست می دهد و امر وجوبی به این سوره که شروع کرده اید تعلق می گیرد، اگر مقصود تان این است که محقق خویی این را می گوید معنا ندارد؛ زیرا قبل از بلوغ رها می کنم، این سوره جدید خواندن واجب است یا خیر؟ معنا ندارد که بگوید اگر می خوانید واجب است. طلب الحاصل می شود. من می توانم نخوانم، صرف نیت اینکه بعض السورۀ که خواندم هیچ شده مبطل نیست، اگر سوره کامله بخوانم می گویید بعض السورۀ را باطل می کند. معنایش این است که این سوره کامله را اگر نخواندید واجب نیست، ولی اگر خواندید واجب است این معنا ندارد. آیا به صرف قصد بعض السورۀ باطل می شود؟ کسی به این ملتزم نیست.

2.اشکال دوم به محقق خویی که اشکال مهمی است این است که این دو بحث ارتباطی به هم ندارند. هیچ مشکلی ندارد که ما در بحث تبعیض سوره قائل به جواز شویم ولی شارع بگوید من از اینکه بعد از بلوغ ثلثین یک سوره ای را رها کنید و سوره دیگری را بخوانید خوشم نمی آید و این موجب بطلان نماز می شود. این ها با هم تنافی ندارند. اگر بعض سوره را می خواند بخواند ولی اینکه بعد از بلوغ ثلثین بخواهد رها کند و سوره دیگری انتخاب شود من شارع از این کار بدم می آید و این کار مانعیت دارد. ظاهر « لَهُ أَنْ يَرْجِعَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَيْهَا»[[5]](#footnote-5)» این است که بعد از بلوغ ثلثین عدول جایز نیست، ظاهر آن ارشاد به مانعیت است؛ یعنی اگر بعد از بلوغ ثلثین رها شود من این نماز را قبول ندارم. اصل نماز تعبد است، چه اشکالی دارد که شارع اینگونه بفرماید که شرایط و موانع آن نیز تعبدی باشد. مثلا اگر کسی یاد پدرش افتاده و گریه اش گرفته است، می گویند نمازش باطل است، این تعبد است. اگر کسی بی اختیار خنده اش گرفت نمازش باطل است، این ها تعبد است. این ها احکام عقلایی نیست، احکام تعبدی است. هیچ تنافی با هم ندارد. تبعیض جایز است ولی اگر دو سوم سوره را خواندید و بخواهید عدول کنید مانعیت دارد، ولو اینکه قصد جزئیت نشود و قصد قرآنیت بشود، هیچ اشکالی ندارد.

پس اینکه این سوره را رها کنید و بعد یکی دیگر بخوانید شارع می گوید جایز نیست. ظاهر روایت نیز نهی الزامی است. چطور می توان از این نهی الزامی رفع ید کرد.

نکته: لازمه فرمایش ایشان این است که در توحید و کافرون نیز همین را بگویند. اگر می خواهد رها کند و بعد به قصد قرآنیت سوره دیگری را بخواند اشکالی ندارد. فقط اشکال در جایی است که بگوید این توحید را هیچ حساب می کنم و برای امتثال امر به قرائت سوره دیگری را انتخاب می کنم آن فقظ اشکال دارد. اگر بگویید که در آنجا تعبد آمده است که نباید از توحید و کافرون عدول کرد، می گوییم چرا در محل بحث ما تعبدی نباشد؟!

## بررسی معیار در بلوغ نصف

مطلبی از جواهر نقل شده که محقق نایینی نیز در تقریراتی که از ایشان است، قبول کرده اند که مراد از بلوغ نصف، نصف تخمینی عرفی است و نصف دقی مراد نیست؛ زیرا نصف دقی را باید بین حروف کلمات سوره بسنجیم. مثلا بسنجیم که سوره والفجر چند حرف دارد. کسی نگشته ببیند چند حرف دارد و دقیقا نصفش چقدر است. لذا فرموده است که این ها دقی نیست تخمینی عرفی و مسامحی است؛ بیان ایشان چنین است:

«ضرورۀ أن التحدید بالنصف الحقیقی بین حروف الکلمۀ یعسر العلم به غالبا»

چون غالبا علم به آن مشکل است، پس شارع بعید است که ان را در مقام تحدید ذکر کند. ظاهر این است که تحدید به یک امر قابل فهم و شناخت کرده است که همان نصف تخمینی عرفی است. این مطلب را محقق بروجردی در بحث مسافت شبیه اش را فرموده اند که قدیم چهار فرسخ را خوب نمی فهمیدند. الان ماشین دارند و کیلومتر شمار را می زنند. که همین هم اختلاف است. محقق زنجانی بیست کیلومتر و امام 22 و نیم و محقق خویی 22 کیلومتر می دانند. اکنون می توان فهمید ولی قدیم نمی توانستند بفهمند. لذا کشف می شود که ظن به بلوغ مسافت کافی است.

عرض ما این است که ظاهر عنوان این است که دقی است. عنوان مسامحی خلاف ظاهر است. اگر گفتند که آب کر مثلا 1200 رطل است، اگر یک استکان از آب کر کم باشد، دیگر کر نیست. زیرا تسامح عرف در مصادیق ارزشی ندارد. مثلا اگر به شما گفتند ده روز اگر در این شهر باشید با قصد اقامه تمام است، اگر بگویید که پنج دقیقه کمتر از ده روز بمانم چه می شود؟ مثل کسی که هواپیمای شخص پنج دقیقه زودتر پرواز کرده است. گفته می شود شما که احتمال می دادید 5 دقیقه زودتر حرکت کند اصلا قصد اقامه منعقد نمی شود. عرف در احتجاج تدقیق می کند. اگر بگویند که اگر ساعت 14 بیایید همین امروز به پرونده شما رسیدگی می کنیم ولی اگر یک دقیقه دیرتر بروید حق دارد که شخص بگوید دیگر کار را راه نمی اندازم. اینکه دل رحمی کند و بیشتر بماند التماس است، ولی قانون این است که احتجاج به امور دقی می کنند. در امتحانات و برنده شدن در مسابقات نیز چنین است. اما اینکه محقق نایینی فرموده اند تشخیص آن مشکل است. می گوییم تا وقتی که احراز نصفیت نشده باشد استصحاب عدم آن جاری می شود و مشکلی ندارد. خیلی از موارد نیز انسان می داند که به نصف رسیده است، اگر شک کرد استصحاب جاری می کند.

## بحث بعدی: جواز یا عدم جواز عدول از توحید به جمعه در روز جمعه

از این بحث می گذریم. کلام واقع می شود در اینکه در روز جمعه اگر کسی اشتباها، چه در نماز جمعه و چه در نماز ظهر روز جمعه، بلکه برخی فرموده اند در نماز صبح و عصر روز جمعه نیز همینطور است، برخی نیز فرموده اند نماز مغرب و عشاء شب جمعه نیز چنین است، مستحب است جمعه و منافقین خوانده شود، حال اگر طبق عادت اشتباها سوره توحید خوانده شود، وسط آن یادش بیاید که مستحب بوده جمعه بخواند، فرموده اند می تواند عدول به سوره جمعه کند. بلکه برخی مثل محقق خویی فرموده اند اختصاص به نسیان ندارد و اگر عمدا نیز این کار را کند اشکالی ندارد. یعنی شخص با اینکه یادش بود روز جمعه است، بعد پیشمان می شود و می خواهد جمعه بخواند، عدول کند اشکالی ندارد[[6]](#footnote-6).

ایشان می فرماید اطلاق روایات صورت عمد را نیز می گیرد. در جلسه آینده در این موضوع بحث و بررسی خواهد شد ان شاءالله

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص314.](http://lib.eshia.ir/11005/3/314/سورۀ) « أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلَّ مِنْ سُورَةٍ وَ لَا بِأَكْثَرَ». [↑](#footnote-ref-1)
2. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص351.](http://lib.eshia.ir/71334/14/351/نعم) [↑](#footnote-ref-2)
3. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص351.](http://lib.eshia.ir/71334/14/351/نعم) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص293.](http://lib.eshia.ir/10083/2/293/الرجل) « الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَقْرَأَ السُّورَةَ فَيَقْرَأُ غَيْرَهَا فَقَالَ لَهُ أَنْ يَرْجِعَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَيْهَا» [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص293.](http://lib.eshia.ir/10083/2/293/الرجل) [↑](#footnote-ref-5)
6. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص355.](http://lib.eshia.ir/71334/14/355/العدول) [↑](#footnote-ref-6)